دو فصلنامه علمی
پژوهشهای تطبیقی
در حقوق و علوم اجتماعی

Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences

Economic exploitation of children and adolescents in light of Iranian law and international documents

Alireza Taghipour (Corresponding author) [1]

1. Associate Professor of Criminal law and Criminology. Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

a.taghipour@basu.ac.ir

Asadullah Rahmani [2]

2.Master degree in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Bu-Ali Sina University, Hamadan. Iran

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
3 December 2025
Accepted، Available online:

3 July 2026

Keywords:
Economic exploitation, employment, children, protection, international documents.

ABSTRACT

Economic exploitation of children and adolescents is one of the most important social and legal problems in contemporary societies, which not only violates their fundamental rights, but also hinders the realization of social justice and sustainable development. Legal studies show that the Iranian legislative system has drawn a relative framework to combat this phenomenon by approving the "Law on the Protection of Children and Adolescents" approved in 2020 and the regulations contained in the Labor Law. At the international level, documents such as the Convention on the Rights of the Child and the International Labor Organization conventions have provided binding and coordinating standards to protect children from economic exploitation. The present study, using a descriptive-analytical method and a comparative approach, examines the foundations, examples, and mechanisms of combating economic exploitation in domestic law and international documents And it is indicative of the fact that although Iranian laws are in line with international standards in principle, shortcomings in definitions and examples, criminal enforcement guarantees, responsible institutions, and public awareness are challenges in achieving effective protection for children.

Cite this article. Taghipou Ali reza and other. (2026) Economic exploitation of children and adolescents in light of Iranian law and international documents, **Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences**، 2(1).95-115

. Publisher: Hamyar Jahed Publications.

CC BY NC

بهره کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان در پرتو حقوق ایران و اسناد بین المللی

علیرضا تقی پور(نویسنده مسئول) [۱]

۱.دانشیارحقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

a.taghipour@basu.ac.ir

اسدالله رحمانی [۲]

۲.کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا همدان

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱٤۰٤/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش و انتشار:
۱٤۰۵/۰٤/۲۱

کلیدواژه‌ها:
بهره‌کشی اقتصادی،
شغل،
اطفال،
حمایت،
اسناد بین‌المللی

چکیده

بهره‌کشی اقتصادی از کودکان و نوجوانان از مهم‌ترین معضلات اجتماعی و حقوقی در جوامع معاصر است که نه تنها حقوق بنیادین آنان را نقض می‌کند، بلکه مانع تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار نیز می‌گردد. بررسی‌های حقوقی نشان می‌دهد که نظام تقنینی ایران با تصویب «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۳۹۹ و مقررات مندرج در قانون کار، چارچوبی نسبی برای مقابله با این پدیده ترسیم کرده است. در سطح بین‌المللی نیز اسنادی همچون کنوانسیون حقوق کودک و مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، معیارهای الزام‌آور و هماهنگ‌کننده‌ای را جهت حمایت از کودکان در برابر استثمار اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی و رویکرد تطبیقی، به واکاوی مبانی، مصادیق و سازوکارهای مقابله با بهره‌کشی اقتصادی در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی می‌پردازد و گویای این واقعیت است که هرچند قوانین ایران از حیث اصولی با استانداردهای بین‌المللی همسو هستند، اما کاستی های موجود در تعریف و مصادیق، ضمانت اجرای کیفری، نهادهای متولی و آگاهی عمومی، چالش‌هایی در تحقق حمایت مؤثر از اطفال به شمار می‌روند.

استناددهی:تقی پور ، علیرضا و دیگران (۱٤۰۵). بهره کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان در پرتو حقوق ایران و اسناد بین المللی،**دو فصلنامه علمی پژوهشهای تطبیقی حقوق و علوم اجتماعی**، ۲(۱)۹۵-۱۱۵.

ناشر: انتشارات همیار طنین جاهد با همکاری انجمن جرم شناسی

۱. مقدمه

کودکی یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی انسان است که در آن بنیان‌های شخصیتی، اجتماعی، عاطفی و شناختی شکل می‌گیرد؛ بنابراین کودکان، تنها به مراقبت جسمانی نیاز ندارند، بلکه رشد همه جانبه آنان برای آینده سالم جامعه ضروری است. کودکان به‌عنوان سرمایه‌های انسانی هر جامعه، برای رشد و بالندگی به حقوقی نیاز دارند که رعایت آن‌ها مستلزم آگاهی عمومی و حمایت قانونی است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ «کنوانسیون حقوق کودک» را تصویب کرد و در ماده ۳۲، دولت‌ها را موظف ساخت تا از کودکان در برابر بهره‌کشی اقتصادی و فعالیت‌هایی که سلامت، رفاه یا امنیت آنان را تهدید می‌کند، محافظت کنند. این ماده با تأکید بر ممنوعیت کار زیان‌آور و خطرناک، مبنای استانداردهای بین‌المللی حفاظت از کودک است. گسترش کار کودک در جهان، هم از نظر تعداد و هم شدت آسیب‌ها، موجب شد تا جلوگیری از استثمار اقتصادی، یکی از اولویت‌های نهادهای بین‌المللی قرار گیرد.

مقاوله‌نامه‌های شماره ۱۳۸ و ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار (ILO) و برنامه بین‌المللی حذف کار کودک (IPEC) چارچوب‌های عملی و نظارتی برای کاهش بهره‌کشی اقتصادی ارائه کرده‌اند (ILO، ۱۹۹۹). در ایران نیز حمایت از کودکان مورد توجه قوانین قرار گرفته است. قانون کار با تعیین حداقل سن اشتغال، محدودیت ساعات کار و ممنوعیت کار سخت، زیان‌آور و شبانه برای نوجوانان، گام‌هایی در مسیر حمایت از آنان برداشته است. علاوه بر این، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) بهره‌کشی اقتصادی را تعریف و ضمانت اجراهایی برای آن در نظر گرفته است. کار استثمارگرایانه، نه تنها سلامت جسمی کودکان را به خطر می‌اندازد، بلکه باعث بروز مشکلات روانی و محرومیت از تحصیل می‌شود. برخی مصادیق استثمار شدید، در مقاوله‌نامه ILO ۱۸۲ به عنوان بدترین اشکال کار کودک شناخته شده‌اند و نیازمند حمایت ویژه هستند (ILO، ۱۹۹۹). با توجه به اهمیت موضوع و پیامدهای بلندمدت بهره‌کشی اقتصادی که در این مقاله شامل بهره کشی جنسی نیز می‌باشد، با بررسی تطبیقی قوانین ایران و اسناد بین‌المللی، میزان انطباق قوانین داخلی با استانداردهای جهانی ارزیابی و خلأهای موجود قابل شناسایی است. هدف، ارائه تحلیل حقوقی و پیشنهاد راهکارهای عملی برای بهبود حمایت از کودکان در برابر بهره‌کشی اقتصادی است.

۲. بهره کشی اقتصادی در حقوق ایران

اصطلاح بهره‌کشی اقتصادی به طور صریح در متون فقهی به کار نرفته است، اما مفهوم آن در قالب‌هایی چون استثمار، اجحاف در کار و سلب اختیار از انسان در بهره‌برداری از نیروی کار خود سابقه‌ای دیرینه دارد. در متون فقهی، انجام کاری که موجب تضییع حق، اجبار و تحمیل کار بر دیگری بدون رضایت یا بدون مزد عادلانه شود، از مصادیق ظلم و حرام دانسته شده است (محمدیان و حائری، ۱۳۹۳، ۲۴۲).

در ماده ٦ از قانون کار با اشاره به اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صرفاً بهره کشی از دیگری ممنوع اعلام شده، بدون آن که تعریفی از آن ارائه شده باشد. قانون کار جمهوری اسلامی ایران با هدف حمایت از سلامت جسمی و روانی کودکان و جلوگیری از بهره‌کشی اقتصادی، مقررات ویژه‌ای برای نوجوانان پیش‌بینی کرده است. ماده ۷۹ قانون کار، اشتغال افراد کمتر از ۱۵ سال را ممنوع اعلام کرده و ماده ۸۰ نیز کارگران ۱۵ تا ۱۸ سال را به عنوان «نوجوان» معرفی کرده و مشمول مقررات حمایتی خاص شامل الزام معاینه پزشکی پیش از استخدام و تکرار سالانه آن، کاهش ساعات کار روزانه برای نوجوانان، ممنوعیت کار اضافی، شبانه و کارهای سخت و زیان‌آور و تعیین ضمانت‌های کیفری برای کارفرمایان متخلف قرار داده است. این اقدامات در عمل مانع بهره‌کشی اقتصادی و محافظت از رشد جسمی و روانی کودکان می‌شوند. اما قانون کار تنها شامل محیط‌های رسمی و کارگاه‌های تحت نظارت شده و کودکان در بخش غیررسمی اقتصاد، مانند مشاغل خانگی و دست فروشی را در بر نمی‌گیرد.

در مقاوله‌نامه شماره ۱۳۸ ILO حداقل سن ۱۵ یا ١٦ سال توصیه شده است (ILO, 1973, Art. 2). اما همان گونه که برخی نیز معتقدند، ضعف نظارت و کمبود منابع، اجرای کامل مقررات حمایتی را با چالش مواجه ساخته است (Abebe, 2011, p. 766). این موضوع در خصوص ایران نیز قابل مشاهده بوده و نیازمند تقویت شمول قانون در بخش غیررسمی و نظارت مؤثرتر می‌باشد.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، نقطه عطفی در نظام حقوقی ایران به شمار می‌رود که بهره‌کشی اقتصادی کودکان را برای نخستین بار به صورت مستقل جرم‌انگاری کرده و اقدامات حمایتی و پیشگیرانه نهادهای اجرایی را الزامی نموده است. این رویکرد فراتر از نگاه صرفاً کیفری، همزمان جنبه‌های اجتماعی و حمایتی را نیز پوشش می‌دهد که با استانداردهای بین‌المللی از جمله کنوانسیون ILO شماره ۱۸۲ درباره بدترین اشکال کار کودک مطابقت دارد (ILO, 1999, Art 1-3). همانند توصیه‌های ILO و کنوانسیون حقوق کودک، مقابله با بهره‌کشی اقتصادی صرفاً با ابزار کیفری کافی نیست و کاهش فقر، دسترسی به آموزش و حمایت خانواده‌ها نقش اساسی دارد (Freeman, 2020, p. 112; Hodgkin & Newell, 2007, p. 35). به عبارت دیگر، اجرای تکالیف نهادهای حمایتی به منابع و نظارت کافی نیاز دارد، در غیر این صورت جرم‌انگاری و سیاست‌های حمایتی مؤثر نخواهند بود.

برای تضمین اجرای حمایت‌ها، ماده ۲۷ قانون، مسئولیت کیفری و اداری دستگاه‌های اجرایی را در صورت ترک فعل مشخص کرده است که نشان‌دهنده تلاش قانون برای ایجاد سازوکار نظارتی داخلی است. این امر در توصیه‌های کمیته حقوق کودک مبنی بر ضرورت اقدامات فوری و هماهنگ دولت‌ها در پیشگیری از بهره‌کشی و حفاظت از کودکان پیش بینی شده است(CRC, 1989, Arts 19 & 32)

این قانون تعریف گسترده‌ای از «طفل و نوجوان» ارائه می‌دهد و تمامی افراد زیر ۱۸ سال را مشمول حمایت می‌داند (ماده ۲) که هماهنگی قابل توجهی با کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ دارد که محدوده سنی حمایت را تا ۱۸ سال تعیین می‌کند (CRC, 1989, Art. 1).

در بند «ث» ماده ۱ این قانون، چنین آمده است: «به کارگیری غیر قانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد». بنابراین، وادار نمودن طفل به کارهایی که باعث به خطر افتادن سلامت فیزیکی، سلامت روانی، در معرض فساد اخلاقی قرار گرفتن و طرد از اجتماع می‌شود و یا به عبارتی، آن چه که رشد کودک را در این ابعاد به خطر بیندازد، هر چند درآمدی برای او یا خانواده‌اش داشته باشد، داخل در تعریف قرار گرفته است. به نظر می‌رسد، دیدگاه عرف را باید در تعریف اصطلاحات مضر یا خطرناک به عنوان مبنا قرار داد. دیدگاهی که با توجه به نیاز بخشی از خانواده‌ها در ایران به کار فرزندان خود، احتمالاً نمی‌تواند با هدف حمایت از اطفال منطبق باشد. بدیهی است که نیاز مالی خانواده، تنها عامل محسوب نشده و عواملی مانند کاهش کیفیت آموزش، ناکارآمدی قوانین حمایتی و ضعف آگاهی عمومی نیز از عوامل مؤثر بر ایجاد و تداوم کار کودک به شمار می‌روند.

با توجه به عبارت «... نظر به وضعیت طفل و نوجوان»، کاری که برای یک نوجوان ۱۷ ساله ممکن است بی‌ضرر باشد، برای یک کودک ۱۲ ساله می‌تواند خطرناک یا مضر تلقی گردد. همچنین اگر یک فعالیت اقتصادی به دلیل توانایی یک نوجوان نتواند از جهت جسمی اما از سایر جهات مندرج در بند ث برای او خطرناک تلقی شود، همچنان مشمول این بند قرار می‌گیرد. در نتیجه، قانونگذار به دنبال وضعیت فردی طفل و نوجوان بوده است، به گونه‌ای که تشخیص مضر یا خطرناک بودن، با توجه به وضعیت طفل و نوجوان (سن، توانایی‌ها، شرایط جسمی و روانی) سنجیده می‌شود.

اما موضوعی که در این راستا مطرح می‌گردد، این است که همان گونه که اشاره گردید، طبق ماده ۷۹ قانون کار: «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است». یعنی به رغم این که قانون کار، حمایت‌هایی از افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال در نظر گرفته است، بر این باور بوده که این نوع حمایت‌ها نمی‌تواند برای سن زیر ۱۵ سال کافی و مناسب تلقی شود. با توجه به تعریف بهره کشی مندرج در قانون حمایت، همه افراد زیر ۱۸ سال مشمول این قانون قرار دارند. حال با توجه به این که عبارت «... نظر به وضعیت طفل و نوجوان» هر کاری نمی‌تواند مضر یا خطرناک تشخیص داده شود، چگونه است که قانون کار، افراد زیر سن ۱۵ سال را از شمول قانون مستثنی نموده است، اما قانون حمایت، وادار کردن و به کار گماردن اطفال زیر ۱۵ سال را به شرط عدم مضر یا خطرناک بودن کار، ممنوع اعلام نکرده است؟

به نظر می‌رسد، ممنوعیت مطلق برای افراد زیر ۱۵ سال در قانون کار، به این دلیل بوده که این دسته، از نظر جسمی و روانی در وضعیتی قرار ندارند که قادر به تحمل مسئولیت‌ها و خطرات محیط کار باشند. بدیهی است، فرقی نیز نمی‌کند که این محیط، رسمی و کارگاهی یا غیر از این موارد باشد. در واقع، قانون کار ترجیح داده است که دوران تا ۱۵ سال به امر آموزش، پرورش و رشد سالم اختصاص یابد که به نظر می‌رسد در قانون حمایت مورد توجه قرار نگرفته است. کارهای هنری و آموزشی سپرده شده به طفل در منزل و یا مدرسه که در جهت رشد فکری و تربیتی اطفال در نظر گرفته شده، نمی‌تواند مشمول ایراد اخیرالذکر قرار گیرد. صرف نظر از آن چه که مطرح شد، نکات دیگری نیز در ارتباط با این موضوع در قانون حمایت قابل ذکر است. در ماده ۳ از این قانون درباره وضعیت مخاطره آمیز به مواردی اشاره نموده که باعث ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی و یا وضعیت آموزشی طفل یا نوجوان شود.

در ماده ۲ راجع به بهره کشی اقتصادی، همه آسیب‌هایی که به آن اشاره گردید، به غیر از وضعیت آموزشی در تعریف آمده است. سوالی که مطرح می‌گردد آن است که آیا عدم اشاره به این مورد ناشی از غفلت بوده است یا قصد قانونگذار آن بوده که در مواد دیگر قانون، از تحصیل اطفال حمایت به عمل آورد؟ شاید بتوان با توجه به بند ژ ماده ۳ که از بهره کشی سخن به میان آورده است، این ایراد را بتوان قابل رفع تلقی نمود. اما با توجه به این که کار اطفال در قالب بند ث ماده ۱ نسبت به تحصیل نیز می‌تواند مضر تلقی شود، خواه به نحو کامل، باعث بازماندن اطفال شود یا افت تحصیلی به دنبال داشته باشد، اقتضاء می‌کرد به صورت صریح در بند مزبور مورد توجه قرار می‌گرفت. در بند ۱ ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ که در ارتباط با بهره کشی اقتصادی است، انجام هر کاری که باعث ایجاد وقفه در آموزش طفل شود، در متن گنجانده شده است. موضوع دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود، ماده ۱۱ قانون حمایت است که هر گونه معامله نسبت به اطفال را مستوجب حبس درجه پنج و چنانچه با هدف بهره کشی اقتصادی انجام شده باشد، مستوجب حبس درجه چهار دانسته است. این در حالی است که مطابق ماده ۱۵ فردی که بر خلاف مقررات قانون کار، مرتکب بهره کشی اقتصادی از اطفال شده، مشمول حبس درجه شش می‌باشد. به نظر می‌رسد که رفتار مرتکب موضوع ماده ۱۵ از قبح کمتری نسبت به مرتکب ماده ۱۱ برخوردار نباشد. در نتیجه، مشخص نیست که تفاوت دو درجه‌ای میان مجازات این دو رفتار چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟ نکته دیگر آن است که در ماده ۱۵ به عبارت «... بر خلاف قانون کار» اشاره شده است. از عبارت مزبور، این گونه استنباط می‌شود که اگر حمایت‌های مندرج در قانون کار در مورد نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال رعایت نشود و یا اطفال زیر سن ۱۵ سال به کارهای کارگاهی گمارده شوند، مرتکب به مجازات حبس درجه شش محکوم خواهد شد. در حالی که دایره شمول کار کودک باید از صرفاً کارهای مشمول قانون کار و کارگاهی به هر گونه فعالیتی که بر جسم و روان او تأثیر منفی گذاشته گسترش یابد. بنابراین، اطلاق بند ث ماده ۱ را باید در این رابطه حاکم دانست.

۳. بهره کشی اقتصادی کودک دراسناد بین المللی

از دیدگاه یونیسف، تعریف بهره‌کشی اقتصادی کودکان، طیفی گسترده را در بر می‌گیرد؛ از اشکال مخرب و آسیب‌زا تا فعالیت‌هایی که ممکن است در رشد جسمی و ذهنی کودک نقش مثبت ایفا کنند و مانع تحصیل یا تفریح او نشوند. به باور یونیسف، میان این دو قطبِ کاملاً منفی و کاملاً مثبت، یک «منطقه خاکستری» از انواع کار وجود دارد که الزاماً استثماری نیست اما در معرض خطر تبدیل شدن به استثمار قرار دارد (UNICEF, 1997, p. 23). از این منظر، بهره‌کشی اقتصادی کودک به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که کودک را از فرصت تحصیل، رشد جسمی و شخصیتی و تجربه دوران طبیعی کودکی محروم کرده و به حال و آینده وی آسیب وارد می‌کند (UNICEF, 2017, p. 145).

در مقابل، فعالیت‌های سبک خانوادگی یا کمک به کسب و کار والدین که با رضایت، ایمنی و بدون آسیب به تحصیل انجام شود، می‌تواند جنبه آموزشی و تربیتی داشته باشد و در زمره کارهای مشروع کودک قرار گیرد. در واقع، کار کودک در اشکال استثمارگرایانه است که رشد جسمی و سلامت روان او را تهدید می‌کند. این فعالیت‌ها در طول تاریخ، درجات و اشکال متفاوتی داشته‌اند، اما با توسعه آموزش همگانی و صنعتی‌شدن جوامع، بهره‌کشی اقتصادی کودکان به‌طور فزاینده‌ای مورد نقد و منع قانونی قرار گرفته است. از منظر اجتماعی و اقتصادی، بهره‌کشی اقتصادی کودکان سبب تمرکز سرمایه در دست گروهی محدود، افزایش فاصله طبقاتی و گسترش فقر می‌شود. همچنین مانع رشد مهارت‌ها و توانمندی‌های کودکان و کاهش بهره‌وری نیروی کار در سطح جامعه است. پیامدهای آن شامل افزایش آسیب‌های اجتماعی مانند استثمار، بزهکاری، تبعیض و فقر بوده و روند توسعه پایدار را مختل می‌کند (ILO, 2015, pp. 22-24). اسناد و مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی، هر نوع کار استثمارگرایانه و زیان‌آور که رشد و تعالی کودک را مختل کند، ممنوع اعلام کرده‌اند (UNICEF, 2017, p. 147; ILO, 2015, p. 27). بنابراین، ملاک اصلی در شناسایی بهره‌کشی اقتصادی، اثرات منفی بر سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و تحصیلی کودک است.

۳-۱. اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹

کسب درآمد بیشتر باعث شده است برخی سرمایه‌داران و کارفرمایان به نیروی کار ارزان و کم هزینه، از جمله کودکان، روی آورند. با این حال، قوانین بین‌المللی و مقررات داخلی بسیاری از کشورها، از کودکان در برابر بهره‌کشی اقتصادی حمایت کرده‌اند. بررسی تطبیقی این حمایت‌ها نشان می‌دهد که هرچند ایران در برخی حوزه‌ها همگام با استانداردهای بین‌المللی پیش رفته، اما همچنان کاستی‌هایی وجود دارد. اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹ یکی از نخستین اسناد جامع بین‌المللی در حوزه حمایت از کودکان است که صراحتاً بر حق حمایت از کودکان در برابر بی‌توجهی و بهره‌کشی اقتصادی تأکید دارد.

این اعلامیه ده اصل اساسی از جمله حق برخورداری از امنیت اجتماعی، آموزش رایگان، تسهیلات رفاهی و حمایت در هر شرایطی را برشمرده است (UNICEF, 2020, p. 36). اصل نهم اعلامیه به‌طور خاص حمایت از کودکان در برابر استثمار اقتصادی را مورد تأکید قرار داده و تصریح می‌کند که کودک نباید پیش از رسیدن به حداقل سن مناسب به استخدام درآید و هیچ‌گونه اشتغال در بهره‌کشی‌های اقتصادی که به سلامت، آموزش یا رشد جسمی، فکری و اخلاقی او لطمه وارد کند، مجاز نیست. با وجود اهمیت اعلامیه، فقدان ضمانت اجرایی الزام‌آور موجب شد تا دولت‌ها صرفاً از نظر اخلاقی متعهد باشند و در عمل تغییرات بنیادین ایجاد نشود (Todres, 2011, p. 1243). عبارت حداقل سن مناسب در اعلامیه را نمی‌توان نقصی برای اعلامیه در نظر گرفت، زیرا این سند، الزام آور نبود و به همین دلیل، نمی‌توانست جزئیات فنی را مانند یک سند الزام آور مشخص نماید.

ایران نیز با وجود رأی مثبت به اعلامیه، آن را به تصویب نرسانده است. در ایران، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نخستین قانونی است که بهره‌کشی اقتصادی از کودکان را به‌طور مستقل جرم‌انگاری کرده است. همچنین بهره‌کشی اقتصادی به عنوان یکی از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز شناخته شده و دستگاه‌های اجرایی مکلف به مداخله شده‌اند. با این حال، جزئیات روشنی درباره مصادیق بهره‌کشی اقتصادی ارائه نکرده است. بنابراین، ایران همگام با استاندارد بین‌المللی در جرم‌انگاری حرکت کرده، اما فقدان تعاریف دقیق می‌تواند مانع اجرای مؤثر قانون شود. از منظر تطبیقی، هر دو نظام حقوقی بین‌المللی و داخلی ایران بر حق کودکان برای حفاظت از بهره‌کشی اقتصادی، اهمیت آموزش و پرورش و رشد سالم تأکید دارند. تفاوت اصلی آن است که اعلامیه ۱۹۵۹ فاقد ضمانت اجرا است، در حالی که قانون ایران سعی کرده الزام حقوقی ایجاد کند، اما نیازمند تدوین آیین‌نامه‌های تکمیلی، ایجاد بانک اطلاعاتی کودکان کار و هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی است تا ضمانت اجرای مؤثری فراهم شود.

۳-۲. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹

با وجود آن که در اسناد مهم بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹٤۸ و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی ـ سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹٦٦ بر لزوم حمایت از حقوق کودکان تأکید شده بود، گزارش‌های متعدد نشان می‌داد که در عمل حقوق کودکان به‌طور کامل رعایت نمی‌شود و آنان همچنان در معرض انواع آسیب‌ها و بهره‌کشی‌ها قرار دارند. این خلأ موجب شد تا دولت لهستان در سال ۱۹۷۸ پیش‌نویس یک کنوانسیون جامع درباره حقوق کودک را به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه کند. پس از سال‌ها مذاکره و بررسی، سرانجام متن نهایی این پیش‌نویس در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید .

با تحقق شرط تصویب در ۲۰ کشور، در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا گردید (Detrick, 1999, p. 78). کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، از مهم‌ترین و جامع‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه حمایت از کودکان به شمار می‌رود. این سند، به‌دلیل گستره شمول و جامعیت مفاد خود، تمامی کودکان جهان را تحت پوشش قرار داده و تا امروز تقریباً جهانی‌ترین معاهده حقوق بشری محسوب می‌شود؛ زیرا به جز ایالات متحده آمریکا و سومالی، تمامی دولت‌های عضو سازمان ملل متحد آن را پذیرفته‌اند (Todres, 2011, p. 1241). در ایران نیز کنوانسیون در سال ۱۳۷۲ توسط مجلس شورای اسلامی با قید شرط مطابقت مفاد آن با موازین اسلامی به تصویب رسید.این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و ٥٤ ماده است و حمایت از کودک را در سه بعد اساسی مطرح می‌کند:

۱. حمایت از کودک به عنوان انسانی آسیب‌پذیر که نیازمند حمایت‌های ویژه است؛

۲. حمایت از کودک به عنوان فرد معارض قانون، به معنای پیش‌بینی ضمانت‌های حمایتی و بازپرورانه برای کودکان بزهکار؛

۳. حمایت از کودک به عنوان قربانی جرم، از جمله جرایمی مانند آزار جسمی، جنسی، عاطفی و بهره‌کشی اقتصادی (Freeman, 2020, p. 112).

یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های کنوانسیون، پیش‌بینی مقررات صریح برای حمایت از کودکان در برابر هرگونه رفتار زیان‌آور است. در مواد مختلف این سند، به‌طور ویژه بر پیشگیری و مقابله با آزار جسمی، جنسی و عاطفی، بی‌توجهی، بهره‌کشی اقتصادی و جنسی و سایر اشکال سوءاستفاده تأکید شده است. مطابق ماده ۱ کنوانسیون، «منظور از کودک هر انسانی است که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد، مگر آن که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». این تعریف در واقع یک معیار بین‌المللی برای شناسایی کودک ارائه می‌دهد، اما همزمان امکان تطبیق با نظام‌های حقوق داخلی را نیز فراهم می‌کند. همین انعطاف‌پذیری سبب شده است که دولت‌ها با وجود تفاوت‌های حقوقی و فرهنگی، توان پذیرش این سند را داشته باشند. یکی از مهم‌ترین مواد این کنوانسیون، ماده ۱۹ است. بند نخست این ماده مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو موظف‌اند تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را برای حمایت از کودکان در برابر تمامی اشکال خشونت جسمی و روحی، سوءاستفاده، بی‌توجهی، رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری و استثمار، از جمله سوءاستفاده‌های جنسی، به‌عمل آورند. این حمایت‌ها باید به‌ویژه در شرایطی تضمین شود که کودک تحت مراقبت والدین، قیم قانونی یا هر فرد دیگری قرار دارد. به بیان دیگر، کنوانسیون، تنها به حمایت در برابر تهدیدات ناشی از جامعه یا محیط کار اکتفا نمی‌کند، بلکه حتی در درون خانواده نیز از کودک حمایت می‌کند و مسئولیت دولت‌ها را در این حوزه سنگین‌تر می‌سازد (CRC, 1989, Art. 19).

از ماده مزبور این گونه استنباط می‌شود که ارائه خدمات جنسی در برابر وجه نیز از موارد بهره کشی اقتصادی محسوب می‌شود. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، بهره کشی اقتصادی از جنسی جدا در نظر گرفته شده است. در بند چ ماده ۱ در تعریف فحشا آمده است: «هر گونه به کارگیری و یا وادار کردن طفل و نوجوان در فعالیت‌های جنسی برای خود یا دیگری». در بند ۵ از ماده ۱۰ نیز به بهره کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر کردن برای هرزه نگاری یا سوءاستفاده جنسی اشاره شده است. واقعیت آن است، همان گونه که در بهره کشی اقتصادی از نیروی کار افراد از طریق اجبار، فریب یا سوءاستفاده، سود و منافعی به مرتکبین می‌رسد، همین موارد در بهره کشی جنسی وجود داشته و قربانی، کنترل بر بدن خود را از دست می‌دهد. به همین دلیل، این نوع بهره کشی را می‌توان مصداقی از بهره کشی اقتصادی در نظر گرفت. همچنین، بهره کشی اقتصادی و جنسی می‌توانند نقض شدید کرامت انسانی نیز محسوب شوند.کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ چند ویژگی برجسته دارد:

- **نخست، جامعیت آن است؛ به‌گونه‌ای که تقریباً تمامی ابعاد زندگی کودک را در بر می‌گیرد.**
- **دوم، جهان‌شمولی این سند است؛ زیرا تقریباً تمامی دولت‌های جهان به آن پیوسته‌اند.**
- **سوم، ایجاد سازوکار نظارتی از طریق کمیته حقوق کودک، که وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات دولت‌ها را بر عهده دارد. با وجود این، چالش‌هایی همچون نبود ضمانت اجرایی قوی و وابستگی به گزارش‌دهی دولت‌ها همچنان از نقاط ضعف کنوانسیون به شمار می‌آید .**

(Hodgkin & Newell, 2007, p. 23)

در ایران نیز هرچند تصویب مشروط این کنوانسیون نشانه پذیرش اهمیت بین‌المللی آن بوده است، اما شرط مطابقت با موازین اسلامی در برخی موارد اجرای کامل مفاد سند را به‌ویژه در زمینه تعیین سن کودک و برخی مسائل مرتبط با حقوق مدنی و کیفری با محدودیت مواجه ساخته است. در مجموع می‌توان گفت کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ نقطه عطفی در تاریخ تحول حقوق کودک است.

این سند توانست اصول کلی و غیرالزام‌آور اعلامیه ۱۹۵۹ را به تعهداتی الزام‌آور برای دولت‌ها تبدیل کند و از این طریق، نظامی حقوقی و نظارتی نسبتاً جامع برای حمایت از کودکان در سطح بین‌المللی ایجاد نماید. هرچند همچنان کاستی‌هایی مانند فقدان ضمانت اجرایی سخت و موانع ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و دینی در مسیر تحقق کامل آن وجود دارد، اما تأثیر آن بر ارتقای جایگاه حقوق کودک در گفتمان جهانی و ملی غیرقابل انکار است.

۳-۲-۱. حمایت از کودکان در برابر استثمار جنسی و قاچاق

کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ در مواد ۳٤ و ۳۵ حمایت‌های ویژه‌ای برای مقابله با سوءاستفاده جنسی و قاچاق کودکان پیش‌بینی کرده است. این مواد دولت‌ها را موظف می‌سازد تا اقدامات قانونی، اجرایی و آموزشی لازم را برای جلوگیری از وادار کردن کودکان به فعالیت‌های جنسی غیرقانونی، استفاده استثماری در فاحشه‌گری، تولید و توزیع محتوای پورنوگرافیک کودکان، و ربودن، فروش و قاچاق آنان به عمل آورند. کودکان درگیر قاچاق به دو شکل اصلی دیده می‌شوند:

- **دسته نخست، کودکانی هستند که خود به فعالیت‌های قاچاق کشیده می‌شوند یا توسط گروه‌های سازمان‌یافته در قاچاق مورد بهره‌کشی اقتصادی قرار می‌گیرند. موضوعی که در ماده ۳۳ کنوانسیون مورد اشاره قرار گرفته است.**

پدیده‌ای که بیشتر در مناطق مرزی، فقیر و فاقد نظارت حکومتی رخ می‌دهد؛ کودکانی که در قاچاق مواد مخدر، سوخت، کالا و سایر فعالیت‌های غیرقانونی مشارکت دارند و هم زمان ممکن است در معرض سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی قرار گیرند.

- **دسته دوم، کودکانی هستند که قربانی شبکه‌های قاچاق انسان می‌شوند. این کودکان یا توسط خانواده‌های فقیر فروخته می‌شوند یا از مناطق کم‌درآمد ربوده شده و وارد شبکه‌های بهره‌کشی جنسی، برده‌داری مدرن، تکدی‌گری سازمان‌یافته، صنایع تفریحی، یا حتی قاچاق اعضای بدن می‌شوند** (UNICEF, 2021: p. 77).

قاچاق کودکان یکی از شدیدترین و هولناک‌ترین اشکال بهره‌کشی محسوب می‌شود و پیامدهای شدید روانی، جسمی و حقوقی برای کودک قربانی ایجاد می‌کند. این کودکان معمولاً از تحصیل محروم شده، توانایی رشد طبیعی‌شان مختل می‌شود و در معرض استثمار تمام‌عیار قرار می‌گیرند. مقابله با این پدیده نیازمند همکاری بین‌المللی، تقویت نظام‌های حمایتی، و تصویب قوانین سختگیرانه و مؤثر برای حفاظت از حقوق کودکان است. در پی این نگرانی‌ها، پروتکل الحاقی درباره خرید و فروش، خودفروشی و هرزه‌نگاری کودکان ۲۰۰۰ به تصویب رسید و هدف آن تضمین حمایت از کودکان در برابر سوءاستفاده‌های جنسی و پورنوگرافیک است. این پروتکل شامل اقدامات پیشگیرانه، تعیین مجازات برای مرتکبان و حمایت از قربانیان است. در حقوق ایران، حمایت از کودکان در برابر بهره کشی جنسی و قاچاق در قانون حمایت مشخص شده است. همان گونه که قبلاً اشاره شد، بند چ ماده ۱ و بند ۵ ماده ۱۰ به این موارد اختصاص یافته است. در بند ۵ صرفاً به مصادیقی از بهره کشی جنسی اشاره شده و تعریفی ارائه نگردیده است. این در حالی است که در بند الف ماده ۳٤ کنوانسیون فوق الذکر، تشویق کودکان به فعالیت‌های جنسی نیز از مصادیق بهره کشی جنسی است.

ایرادی که سابقاً درباره مجازات بهره کشی اقتصادی به آن اشاره گردید، نسبت به بهره کشی جنسی نیز وجود دارد. به این معنا که مطابق با ماده ۱۱ قانون حمایت، هر گونه معامله نسبت به اطفال چنانچه با هدف بهره کشی جنسی انجام شده باشد، مستوجب حبس درجه چهار است.

اما ماده ۱۰ فردی را که مرتکب بهره کشی جنسی از اطفال شده، مشمول حبس درجه پنج قرار داده که حتی می‌تواند مشمول تعلیق اجرای مجازات نیز گردد. در حالی که تفاوت معناداری میان این دو رفتار قابل مشاهده نیست. در نظام حقوقی ایران، استفاده از کودکان در فعالیت‌های غیرمجاز سمعی و بصری جرم‌انگاری شده است. تبصره ۳ بند ب ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸٦ مقرر می‌دارد: «استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه و تکثیر نوارها و لوح‌های فشرده غیر مجاز موضوع این قانون، موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود».

۳-۳. سایر اسناد بین المللی

سازمان بین‌المللی کار (ILO) از ابتدای تأسیس خود در ۱۹۱۹ تلاش گسترده‌ای برای مقابله با بهره‌کشی اقتصادی کودکان و حمایت از حقوق آنان در محیط‌های کاری انجام داده است. کنوانسیون‌های متعدد این سازمان، از جمله کنوانسیون شماره ۱۵ درباره حداقل سن اشتغال در صنایع، کنوانسیون شماره ۲۹ درباره کار اجباری و کنوانسیون‌های شماره ۳۳ و ۵۹ درباره حداقل سن اشتغال در مشاغل غیرصنعتی و صنعتی، محدودیت‌ها و الزامات مشخصی برای حفاظت از کودکان در محیط‌های کاری ایجاد کرده‌اند. علاوه بر آن، کنوانسیون‌های شماره ۷۷ و ۷۸ بر معاینات پزشکی و حفاظت از سلامت نوجوانان شاغل در مشاغل صنعتی و غیرصنعتی تأکید دارند و کنوانسیون شماره ۷۹ نیز شرایط کار شبانه و استراحت کافی برای نوجوانان را تعیین کرده است (ILO, 1946, p. 15-22). همچنین، کنوانسیون شماره ۱۲۳ اشتغال زیر ۱٦ سال در معادن و مشاغل زیرزمینی را ممنوع و اشتغال افراد ۱٦ تا ۱۸ سال را تنها در قالب کارآموزی مجاز دانسته است (ILO, 1965, p. 11). هدف این کنوانسیون‌ها، حفاظت از کودکان در برابر مشاغل پرخطر، تضمین سلامت جسمی و روانی و ایجاد فرصت‌های مناسب آموزشی و پرورشی است. با وجود پیشرفت‌های بین‌المللی، ضعف نظارت ملی، کمبود امکانات پزشکی و فشارهای اقتصادی موجب شده که بهره‌کشی اقتصادی کودکان در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در بخش‌های غیررسمی و کم‌برخوردار، ادامه یابد (Alston, 2012, p. 517). در ایران نیز متأثر از استانداردهای بین‌المللی، حفاظت از کودکان در محیط کاری پیش‌بینی شده است. همان گونه که اشاره شد، قانون کار جمهوری اسلامی ایران حداقل سن اشتغال، ساعات کاری مجاز، ممنوعیت کار در مشاغل خطرناک و شرایط ایمنی و بهداشتی برای نوجوانان را مشخص کرده و چارچوب قانونی نسبتاً جامعی برای حمایت از کودکان شاغل ایجاد کرده است.

اما هنگامی که ماده ۸۱ قانون کار مقرر می‌دارد: «آزمایش‌های پزشکی کارگر نوجوان، حداقل باید سالی یکبار تجدید شود و مدارک مربوط در پرونده استخدامی وی ضبط گردد. پزشک درباره تناسب نوع کار با توانائی کارگر نوجوان اظهارنظر می‌کند و چنان چه کار مربوط را نامناسب بداند کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد»، عبارت «در حدود امکانات» نمی‌تواند عدم تناسب کار را با وضعیت نوجوان برطرف کند. همچنین هنگامی که در ماده ۸۳ از همین قانون آمده: «ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است»، عبارات سخت، خطرناک و زیان آور که معانی شفافی برای این عبارات نسبت به کارهای سپرده شده به نوجوان، قابل دسترس نیست، نمی‌تواند ملاک مناسبی تلقی شود. بنابراین، ضرورت اقتضاء می‌کند که با توجه به سن نوجوان، مشاغل مختلف نظر به وضوح از یکدیگر تفکیک شوند. صرف نظر از آن چه که مطرح شد، چالش‌هایی همچنان وجود دارد؛ از جمله ضعف نظارت در بخش‌های غیررسمی، فشار اقتصادی بر خانواده‌ها و کمبود منابع آموزشی و بهداشتی که می‌تواند مانع اجرای کامل این استانداردها شود. بنابراین، هماهنگی بیشتر میان سیاست‌های ملی، نظارت مؤثر و افزایش آگاهی خانواده‌ها و کارفرمایان از اهمیت حقوق کودکان ضروری است تا اهداف کنوانسیون‌های ILO در عمل تحقق یابد.

۳-۳-۱: کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار

کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار، موسوم به «کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک» در تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹ در ژنو تصویب شد و از ۱۹ نوامبر ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا گردید (ILO, 1999, p. 278). هدف اصلی این کنوانسیون، مقابله با شدیدترین و زیان‌آورترین اشکال بهره‌کشی اقتصادی کودکان، شامل بهره‌کشی جنسی، استفاده از کودکان در درگیری‌های مسلحانه، قاچاق و کار اجباری است. مطابق ماده ۱، هر دولت عضو موظف است اقدامات فوری و مؤثر برای پیشگیری و از بین بردن این اشکال را به‌عنوان یک ضرورت ملی به اجرا گذارد. این کنوانسیون مرز سنی کودکان را ۱۸ سال تعیین کرده و تمامی افراد زیر این سن را مشمول حمایت‌های آن می‌داند. ماده ۳، بدترین اشکال کار کودک را مشخص کرده که شامل چهار دسته اصلی است:
الف) اشکال بردگی یا بهره‌کشی اقتصادی مشابه بردگی، از جمله فروش و قاچاق کودکان، واگذاری کودکان در ازای بدهی، استخدام اجباری به ویژه در زمینه جنگ و درگیری‌های مسلحانه؛
ب) بهره‌کشی جنسی، شامل روسپیگری و تولید محتوای جنسی؛
ج) استفاده از کودکان در فعالیت‌های غیرقانونی، مانند قاچاق مواد مخدر؛
د) کارهایی که به‌علت شرایط انجام آن، سلامت جسمی، یا اخلاقیات کودک را تهدید می‌کند
(Buck, 2020, pp. 278-282).

ماده ٤ کنوانسیون، مرجع تعیین نوع کارهای خطرناک را به قوانین ملی ارجاع داده و دولت‌ها را موظف به ممنوعیت آن می‌کند. همچنین، بند ۲ ماده ۷ که بر بازپروری و آموزش بنیادین کودکان پس از رهایی از بدترین اشکال کار تأکید کرده است، نشان‌دهنده توجه کنوانسیون به جنبه‌های ترمیمی و توانمندسازی کودک است (ILO, 1999, p. 280). این کنوانسیون از چند جهت اهمیت ویژه‌ای دارد. نخست، به‌صورت شفاف محدوده و نوع کارهای ممنوع را مشخص کرده و تلاش کرده است تا بهره‌کشی اقتصادی کودکان را در سطح بین‌المللی استانداردسازی کند. دوم، با تعریف سنی روشن و الزام به اقدام فوری، چارچوبی قانونی برای دولت‌ها فراهم می‌کند تا قوانین داخلی خود را هماهنگ با استانداردهای جهانی کنند.

برخی دولت‌ها هنوز نتوانسته‌اند تمام بندهای بازپروری و آموزش پس از رهایی را به طور کامل اجرا کنند، به‌ویژه در مناطق جنگ‌زده و جوامع فقیرنشین. بنابراین، در عمل، فاصله میان متن قانونی کنوانسیون و وضعیت واقعی کودکان بسیار محسوس است. در کنار تصویب این کنوانسیون، سازمان بین‌المللی کار توصیه‌نامه‌ای را نیز به تصویب رساند که بر ضرورت اقدامات فوری و عاجل برای حذف بدترین اشکال کار کودک تأکید دارد. این توصیه‌نامه به دولت‌ها چارچوب عملیاتی برای اجرایی کردن مفاد کنوانسیون ارائه می‌دهد و نقش مهمی در هماهنگی سیاست‌های ملی با استانداردهای بین‌المللی ایفا می‌کند (ILO, 1999, p. 282).

در مجموع، کنوانسیون شماره ۱۸۲ نشان‌دهنده توجه جهانی به حفاظت کودکان در برابر شدیدترین انواع بهره‌کشی اقتصادی است و به رغم محدودیت‌های اجرایی، ابزار قدرتمندی برای تنظیم سیاست‌های ملی و بین‌المللی فراهم می‌کند. موفقیت این کنوانسیون به میزان تعهد دولت‌ها به اجرای قوانین، تأمین منابع نظارتی و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی و بازپروری برای کودکان وابسته است. ملاحظه می‌شود که استخدام اجباری اطفال به ویژه در زمینه جنگ و درگیری‌های مسلحانه از جمله بدترین مصادیق بهره کشی اقتصادی محسوب می‌شود که ممکن است توسط گروه‌های شبه نظامی که علیه حکومت‌ها دست به اقدامات نظامی می‌زنند، صورت پذیرد.

رفتاری که جای خالی آن در حقوق ایران احساس می‌شود و اطلاق تعریف بهره کشی اقتصادی در قانون حمایت نمی‌تواند این خلأ را برطرف نماید. لازم به ذکر است که سران کشورهای آفریقایی در سال ۱۹۹۰ «منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک» را تصویب کردند. این سند در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۹۹ لازم‌الاجرا گردید. ماده ۲۲ به موضوع کودکان در منازعات مسلحانه اختصاص دارد. این ماده دولت‌ها را موظف می‌سازد که از مشارکت کودکان در جنگ‌ها و به‌کارگیری آنان به عنوان سرباز جلوگیری کنند و همچنین حمایت‌های لازم را از کودکانی که قربانی جنگ و آوارگی می‌شوند، به عمل آورند (UNICEF, 2005: 214).

اهمیت این ماده در ارتباط با آفریقا بسیار چشمگیر است، زیرا پدیده کودک‌سربازان یکی از معضلات جدی این قاره به شمار می‌رود. این ماده، ضمن همسویی با پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در زمینه مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه (۲۰۰۰)، با توجه به شرایط خاص منطقه‌ای صراحت بیشتری دارد و مسئولیت‌های مستقیم‌تری بر عهده دولت‌ها می‌گذارد (Sloth-Nielsen, 2008: 178).

در انتها ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در ماده ۳ از قانون حمایت، مصادیق وضعیت‌های مخاطره آمیز نام برده شده است. تکدی گری و وضعیت زیان بار ناشی از پناهندگی، مهاجرت یا بی تابعیتی در بندهای (ذ) و (ر) از این مصادیق به شمار می‌روند که در خصوص کودکانی که به دلیل فقدان مدارک هویتی از تحصیل محروم و در مشاغل کاذب و تکدی‌گری به کار گرفته می‌شوند، قابل مشاهده است. ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، موجب محرومیت بسیاری از کودکان از حقوق اولیه خود شده و آنان را در معرض آسیب اقتصادی و اجتماعی قرار می‌دهد. به همین دلیل، قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی مصوب ۱۳۹۸ فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی را به درخواست مادر، مستحق تابعیت ایرانی دانسته است. این در حالی است که تاکنون تکلیف همه این فرزندان مشخص نشده است. مطابق کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، هر کودک حق ثبت تولد، برخورداری از نام، تابعیت و سرپرستی والدین را دارد.

۴: کار دیجیتالی و حقوق کودکان در فضای دیجیتال

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های فضای دیجیتال برای کودکان، نمایه‌سازی و تصمیم‌گیری خودکار است. در این فرآیند، رفتار آنلاین کودکان دائماً ثبت و تحلیل می‌شود و اغلب برای اهداف تجاری به کار می‌رود (Van der Hof, 2018, p. 12). به عنوان نمونه، بازی‌های تبلیغاتی با جمع‌آوری اطلاعات شخصی، بازی را جذاب‌تر می‌کنند، اما هم‌زمان کودکان را بیشتر در معرض تبلیغات قرار می‌دهند (Verdoodt et al., 2016, p.601). اسباب‌بازی‌های هوشمند مکالمات کودکان را ضبط و ذخیره می‌کنند و این داده‌ها می‌تواند برای تبلیغات یا تغییر رفتار مصرفی استفاده شود.کاربرد این فناوری‌ها تنها به بازاریابی محدود نمی‌شود و ممکن است به محدودیت دسترسی به خدمات، آموزش‌های شخصی‌سازی‌شده یا حتی فرصت‌های اجتماعی منجر شود. اگرچه در برخی موارد در حوزه سلامت می‌توانند مفید باشند، اما خطرات جدی هم مانند نقض حریم خصوصی، تبعیض، خطاهای سیستمی، تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف، نشت داده و سرقت هویت دارند (Milkaite & Lievens, 2019, p. 10). در نتیجه، این فناوری‌ها در کنار فرصت‌ها، می‌توانند به بهره‌کشی دیجیتال و تهدید حقوق بنیادین کودکان تبدیل شوند.

۴-۱: تأثیر تصمیم‌گیری خودکار و نمایه‌سازی

شورای اروپا نگرانی جدی خود را نسبت به تعیین مشخصات و تصمیم‌گیری خودکار درباره کودکان در فضای دیجیتال مطرح کرده است. این مسئله به‌طور مستقیم با مجموعه‌ای از حقوق بنیادین کودکان از جمله حق حریم خصوصی، اصل برابری و منع تبعیض، و حق رشد همه‌جانبه و آزادانه آنان در تعارض قرار می‌گیرد. در واقع، زمانی که داده‌های کودکان به‌طور مداوم جمع‌آوری و پردازش می‌شود، خطر آن وجود دارد که این داده‌ها برای ساختن نمایه‌های ثابت و تصمیم‌گیری‌های خودکار مورد استفاده قرار گیرد و در نتیجه دسترسی کودکان به فرصت‌های برابر در زمینه‌های آموزشی و اجتماعی محدود شود. به عنوان نمونه، برخی برنامه‌های آموزشی تطبیقی بر اساس داده‌های اولیه‌ای که از کودک دریافت می‌کنند، سطح دسترسی او به منابع یادگیری را تعیین می‌نمایند. این امر می‌تواند منجر به آن شود که برخی کودکان از امکانات بیشتری بهره‌مند گردند، در حالی که گروهی دیگر بدون دلیل موجه از فرصت‌های مشابه محروم شوند. چنین رویه‌ای عملاً با اصل منع تبعیض، مندرج در ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک، ناسازگار است (UNCRC, 1989, Art. 2).

افزون بر این، جمع‌آوری، ذخیره و فروش داده‌های کودکان به اشخاص ثالث، نقض آشکار حق حریم خصوصی آنان به شمار می‌رود؛ حقی که در ماده ١٦ کنوانسیون حقوق کودک به رسمیت شناخته شده و مستلزم رعایت اصول حفاظت از داده‌ها و وجود تضمین‌های قانونی است (Committee on the Rights of the Child, 2016, pp. 5-7). از منظر رشد شخصیتی و هویتی نیز پیامدهای این روند چشمگیر است. وقتی کودکان بر اساس الگوریتم‌ها در دسته‌بندی‌های خاص قرار می‌گیرند، تنها محتوایی را مشاهده می‌کنند که با آن نمایه از پیش تعیین‌شده سازگار است. این محدودیت مانع تجربه‌های متنوع، یادگیری آزادانه و کشف استعدادهای نو می‌شود و رشد ذهنی، اجتماعی و حتی معنوی کودک را که در ماده ٦ کنوانسیون مورد تأکید قرار گرفته است، به خطر می‌اندازد (UNCRC, 1989, Art. 6). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شرکت‌هایی که کودکان را هدف قرار می‌دهند، از طریق پردازش داده‌های شخصی می‌توانند رفتار، نگرش‌ها و حتی مسیر رشد آنان را تحت تأثیر قرار دهند؛ به‌ویژه زمانی که دسته‌بندی بر اساس جنسیت، علایق یا سوابق قبلی صورت گیرد (Van der Hof, 2018, p. 12; Verdoodt et al., 2016, p.604).در مجموع، نمایه‌سازی و تصمیم‌گیری خودکار، نه تنها حق حریم خصوصی و آزادی انتخاب کودکان را محدود می‌کند، بلکه به بازتولید تبعیض‌های اجتماعی و محرومیت از فرصت‌های برابر نیز منجر می‌شود. این مسئله ایجاب می‌کند که در سیاست‌گذاری‌های دیجیتال، پردازش داده‌های کودکان صرفاً بر پایه مبانی قانونی مشخص انجام شود و الگوریتم‌ها به گونه‌ای طراحی گردند که اصل عدم تبعیض و برابری فرصت‌ها رعایت شود. تنها در این صورت است که می‌توان اطمینان یافت فضای دیجیتال به جای تهدید، بستری برای رشد کودکان خواهد بود.

۴-۲: کار دیجیتالی کودکان و استثمار اقتصادی

در فضای دیجیتال، برخی کودکان با فعالیت به عنوان اینفلوئنسر در رسانه‌های اجتماعی یا بازیکن حرفه‌ای ورزش‌های الکترونیکی به منبع درآمد قابل توجهی برای خانواده‌های خود تبدیل شده‌اند. این کودکان معمولاً با جذب مخاطبان زیاد، خود را به عنوان یک برند معرفی می‌کنند و محصولات یا خدمات مختلف را تبلیغ می‌کنند. از آنجا که هم سن و سالان آنان تمایل دارند با این کودکان همذات‌پنداری کنند، استفاده از اینفلوئنسرهای کودک برای شرکت‌ها بسیار سودآور است (Wong, 2019). فعالیت‌های اینفلوئنسر کودکان اغلب توسط والدین تنظیم و حمایت می‌شوند. والدین نقش مهمی در ضبط، ویرایش و انتشار محتوا ایفا می‌کنند و ممکن است از کودکان خواسته شود روزانه لباس خاص بپوشند، فیلمنامه‌ها را دنبال کنند و در فیلم‌های تبلیغاتی ظاهر شوند. اگرچه این فعالیت‌ها در نگاه اول تفریحی به نظر می‌رسند، اما از نظر حقوقی و روان‌شناختی می‌توانند شکل جدیدی از کار کودک محسوب شوند و مستلزم رعایت محدودیت‌های قانونی مرتبط با سلامت، رشد و تحصیل کودک هستند.

در حوزه ورزش‌های الکترونیکی نیز، محبوبیت روزافزون این فعالیت‌ها میان کودکان و نوجوانان سبب شده است تا برخی مسابقات و تورنمنت‌ها به تجارت پرسودی تبدیل شوند. بازیکنان حرفه‌ای، اغلب دنبال‌کنندگان زیادی در رسانه‌های اجتماعی دارند و از طریق حمایت مالی و مسابقات کسب درآمد می‌کنند. با این حال، این فعالیت‌ها نیز می‌توانند فشارهای جسمی، ذهنی و اجتماعی قابل توجهی برای کودک ایجاد کنند، به ویژه زمانی که شرکت در مسابقات و تولید محتوا به صورت منظم و مستمر صورت گیرد (Swepston, 2012, p. 43). کنوانسیون حقوق کودک بر این نکته تأکید دارد که هر گونه فعالیت کاری کودک نباید سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی او را به خطر اندازد، رشد او را محدود کند یا تحصیل وی را مختل نماید (UNCRC, Arts. 3, 4, 6, 32). بنابراین، فعالیت‌های اینفلوئنسری یا ورزش‌های الکترونیکی که به صورت فشارزا، طولانی‌مدت یا عاطفی سنگین باشند، می‌توانند با این اصول مغایرت داشته باشند و مستلزم توجه و حمایت قانونی ویژه هستند. در نهایت، هرچند این فعالیت‌ها ممکن است به‌ظاهر تفریحی و بدون خطر فوری به نظر برسند، اما در عمل می‌توانند بار روانی، اجتماعی و آموزشی قابل توجهی برای کودکان ایجاد کنند. از این رو، محافظت قانونی از کودکان در برابر فشارهای بیش از حد، کار خطرناک یا بهره‌کشی ضروری است تا بهترین منافع و رشد همه‌جانبه کودک تأمین شود (Wong, 2019). فضای دیجیتال با ظهور فناوری‌های نوین مانند بازی‌های تبلیغاتی، اسباب‌بازی‌های متصل به اینترنت و سیستم‌های تصمیم‌گیری خودکار، کودکان را در معرض تهدیدات جدی قرار داده است. این فناوری‌ها با جمع‌آوری و تحلیل مداوم داده‌های شخصی، تبلیغات هدفمند و محدود کردن فرصت‌های آموزشی، می‌توانند به رشد و رفاه کودکان آسیب برسانند.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ بهره‌کشی اقتصادی را جرم تلقی کرده و به‌طور کلی به حمایت از حقوق آنان پرداخته است. با این حال، این حمایت‌ها بیشتر کلی و عمومی هستند و به طور مستقیم به خطرات فضای دیجیتال، الگوریتم‌های تصمیم‌گیری خودکار و تبلیغات هدفمند آنلاین اشاره‌ای ندارد. همچنین، قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ هرچند دسترسی غیرمجاز به داده‌ها را جرم می‌داند، حمایت اختصاصی از کودکان در محیط آنلاین را شامل نمی‌شود و تمرکز آن بر جرائم عمومی رایانه‌ای است. آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های محدود وزارت ارتباطات و پلیس فتا نیز صرفاً توصیه‌ای و فاقد ضمانت اجرایی مؤثر هستند و چارچوب‌های فنی لازم برای شرکت‌ها و ناشران دیجیتال جهت رعایت حقوق کودکان فراهم نشده است. این خلأهای قانونی و اجرایی باعث می‌شود، کودکان همچنان در معرض بهره‌کشی اقتصادی دیجیتال، نقض حریم خصوصی، نشت داده و محدودیت فرصت‌های آموزشی قرار گیرند. با توجه به این که کنوانسیون حقوق کودک و اسناد بین‌المللی، حفاظت از کودکان در برابر بهره‌کشی و سوءاستفاده دیجیتال را صراحتاً تأکید کرده‌اند، مشخص است که حقوق ایران هنوز در تطبیق با استانداردهای بین‌المللی ضعف دارد و بدون اصلاحات قانونی، نظارت مؤثر و ایجاد چارچوب‌های فنی، حمایت واقعی از کودکان در فضای دیجیتال امکان‌پذیر نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

پدیده بهره‌کشی اقتصادی از کودکان و نوجوانان، یکی از جدی‌ترین اشکال نقض حقوق بشر و حقوق کودک در جهان معاصر است. این پدیده صرفاً یک مسئله‌ی حقوقی نیست، بلکه ریشه در عوامل پیچیده‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی دارد. فقر، نبود نظام حمایتی کارآمد، ضعف در آموزش و فرهنگ‌سازی و سودجویی برخی افراد یا گروه‌های سازمان‌یافته، موجب می‌شود کودکان به‌جای حضور در محیط امن خانواده و مدرسه، در خیابان‌ها، کارگاه‌ها، معادن و حتی در فعالیت‌های غیرقانونی مورد استثمار قرار گیرند. ازاین‌رو، بررسی و واکاوی این موضوع در پرتو قوانین ملی ایران و اسناد بین‌المللی نه تنها از نظر علمی و نظری اهمیت دارد، بلکه کاربردی و راهبردی نیز هست. در حقوق ایران نیز، به‌ویژه در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و همچنین مقررات قانون کار، احکامی برای مقابله با این پدیده پیش‌بینی شده است. در این قانون، بهره‌کشی اقتصادی به‌صراحت جرم‌انگاری شده و مصادیق آن مانند واداشتن کودک به تکدی‌گری، کارهای سخت و زیان‌آور، بهره‌گیری در فعالیت‌های غیرقانونی یا نمایش‌های زیان‌آور ذکر گردیده است. همچنین، مجازات‌هایی برای مرتکبان در نظر گرفته شده و دستگاه‌های اجرایی مانند سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی و دادستانی مکلف به حمایت از کودکان در معرض این آسیب‌ها شده‌اند. این امر بیانگر توجه قانون‌گذار ایرانی به ضرورت حمایت کیفری و اجتماعی از کودکان است.

با این وجود، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که قوانین ایران در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی، همچنان دارای ضعف‌ها و کاستی‌هایی است. نخست آن که تعریف ارائه‌شده از بهره‌کشی اقتصادی در قوانین ایران کلی است و معیارهای دقیق برای تشخیص «کار مجاز» و «کار استثماری» به‌روشنی بیان نشده است. این امر، موجب می‌شود مرز میان کارهای سبک خانوادگی یا آموزشی و بهره‌کشی اقتصادی مبهم باقی بماند. در حالی‌که اسناد بین‌المللی، به‌ویژه مقاوله‌نامه‌های شماره ۱۳۸ و ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار، حدود سنی و نوع فعالیت‌های ممنوعه را دقیق‌تر مشخص کرده‌اند. در سال‌های اخیر، شکل‌های نوینی از بهره‌کشی اقتصادی پدید آمده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها بهره‌کشی از کودکان در فضای دیجیتال است.

ظهور شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های آنلاین، و پلتفرم‌های تولید محتوا، بستر جدیدی را برای استثمار اقتصادی کودکان ایجاد کرده است. در این فضا، برخی کودکان به‌عنوان «اینفلوئنسر» یا «ستاره‌های کودک فضای مجازی» بدون آگاهی از حقوق خود، به ابزاری برای کسب درآمد خانواده‌ها، شرکت‌ها یا پلتفرم‌ها تبدیل می‌شوند. این وضعیت، هرچند در ظاهر داوطلبانه و جذاب به‌نظر می‌رسد، اما در واقع مصداقی از بهره‌کشی اقتصادی نوین به شمار می‌رود که حقوق بنیادین کودک از جمله حق آموزش، حق بازی، حق حریم خصوصی و رشد سالم را تهدید می‌کند. در حقوق بین‌الملل، کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد در تفسیر عمومی شماره ۲۵ (۲۰۲۱) درباره حقوق کودک در محیط دیجیتال، به صراحت دولت‌ها را مکلف دانسته است که از کودکان در برابر انواع استثمار و بهره‌کشی اقتصادی در فضای مجازی حمایت کنند.

این رویکرد، مفهوم بهره‌کشی اقتصادی را فراتر از محیط‌های سنتی کار دانسته و آن را شامل هرگونه استفاده اقتصادی از فعالیت‌های کودک در محیط دیجیتال نیز می‌داند. در حقوق ایران، خلأ قانونی در زمینه بهره‌کشی دیجیتال کودکان مشاهده می‌شود. قوانین فعلی تعریفی از فعالیت اقتصادی کودک در فضای مجازی ارائه نکرده‌اند و نظارت کافی بر تولید محتوا و تبلیغات تجاری مرتبط با کودکان وجود ندارد. این در حالی است که گسترش سریع اقتصاد دیجیتال و نفوذ شبکه‌های اجتماعی، ضرورت توجه ویژه قانون‌گذار به این حوزه را دوچندان کرده است. با وجود این ضعف‌ها، نمی‌توان از دستاوردهای مهم در نظام حقوقی ایران چشم‌پوشی کرد. تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، جرم‌انگاری صریح بهره‌کشی اقتصادی و تأکید بر مسئولیت والدین و سرپرستان از گام‌های مؤثر در جهت حمایت کیفری از کودکان بوده است.

همچنین، پیش‌بینی مجازات‌های شدیدتر برای باندهای سازمان‌یافته یا اشخاص دارای مسئولیت سرپرستی از نقاط قوت این قانون به شمار می‌رود. با این حال، برای رسیدن به سطح مطلوب حمایت از حقوق کودک، ایجاد سازمانی به نام سازمان ملی نظارت بر حقوق کودک با اختیارات بازرسی فراگیر و هماهنگ کننده در کلیه بخش‌های دولتی و غیردولتی به منظور پایش مستمر محیط‌های کار و آموزشی کودکان پیشنهاد می‌گردد.

همچنین اجرای سیاست‌های مؤثر کاهش فقر و ارائه حمایت‌های درآمدی مستقیم و غیرمستقیم به خانواده‌های در معرض خطر، به عنوان بهترین راهکار پیشگیرانه در برابر مجبور ساختن کودکان به کار از دیگر پیشنهادها در این حوزه به شمار می‌رود.

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- محمدیان، علی و حائری، محمد حسن(۱۳۹۳)، «تحلیل فقهی حقوق کارگر در جامعه اسلامی با رویکردی به آرای امام خمینی»، مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۲.

ب) منابع لاتین

- Alston, M. (2012). Rural Male Suicide in Australia, Social Sience and Medicine, 74(4).
- Abebe, T and Bessell, S (2011). Dominant discourses, debates and silences on child labour in Africa and Asia, third World Quarterly, 32(4), 765-786.
- Detrick, S. (1999). A commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child. The Hague, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.
- Freeman, M. (2020). A Magna Carta for children? Rethinking children's rights. Cambridge, United Kingdom: Cambridge University Press.
- Hodgkin, R and Newell, P. (2007). Implementation Handbook for the Convention on the Rights of the Child: Revised Third edition, UNICEF, Geneva.
- Milkaite, I. and Lievens, E. (2019). "The Internet of Toys: Playing Games with Children's Data?" in Mascheroni G. and Holloway D. (eds.), The Internet of Toys: Practices, Affordances and the Political Economy of Children's Play (Palgrave Macmillan).
- Sloth-Nielsen, J and Mezmur, B.D. (2008). A Dutiful Child : The Implications of Article 31 of the African childrens Charter. Journal of African Law, 52(2), 159-189.
- Swepston, L., A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child,
- Article 32: Protection from Economic Exploitation (Brill: Nijhoff, 2012)
- Todres, J. (2011). Mainstreaming children's rights in post-disaster settings. Vol. 25(3), Emory International Law Review, 1233-1261.
- Van der Hof, S. (2018). Children and data protection from the perspective of children's rights—Some difficult dilemmas under the General Data Protection Regulation (WoltersKluwer: Belgium).

- Verdoodt, V., Clifford, D. and Lievens, E. (2016). “Toying with children’s emotions, the new
- game in town? The legality of advergames in the EU”, Computer Law & SecurityReview 2016, 32(4),.
- Wong, J. C., “‘It’s not play if you’re making money’: How Instagram and YouTube
- disrupted child labor laws”, The Guardian, 24 April 2019): https://www.theguardian.
- com/media/2019/apr/24/its-not-play-if-youre-making-money-how-instagram and youtube-
- disrupted-child-labor-laws.
- United Nations. (1989). Convention on the Rights of the Child (CRC). Adopted by the General Assembly of the United Nations, 20 November 1989.
- International Labour Organization (ILO). (1998). Convention No. 182 concerning the Prohibition and Immediate Action for the Elimination of the Worst Forms of Child Labour. Geneva: ILO.
- International Labour Organization (ILO). (1973). Convention No. 138 concerning the Minimum Age for Admission to Employment. Geneva: ILO.
- UNICEF. (2020). The State of the World’s Children 2020: Children in a Digital World. New York: UNICEF Publications.
- International Labour Organization. (2024). Child labour: Global estimates 2024. Geneva: ILO.
- United Nations. (2023). World Day Against Child Labour – 2023. New York: UN.
- UNICEF. (2023). UNICEF annual report 2023. New York: UNICEF